

وضعیت تولید و انتشار کتاب‌های علوم...

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره 3

## وضعیت تولید و انتشار کتاب‌های علوم اجتماعی در ایران

### پراساس الگوهای علم‌سنجی

غلامرضا ذاکر صالحی

**چکیده:** علوم اجتماعی در ایران با استناد به میزان کمی انتشارات به کم‌کاری و عدم هماهنگی با جریان پرشتاب تولید و انتشار علم متهم شده است. مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که این اتهام با توجه به داده‌های عینی و بی‌طرفانه تا چه حد متوجه علوم اجتماعی در ایران است؟ با توجه به ادبیات جامعه‌شناسی علم، انتشار از سویی ذخیره انواع سرمایه را غنی می‌کند و از سوی دیگر ابزاری برای منازعه رقابتی در میدان علم و اثبات شایستگی علمی است، این فرآیند بخش مهمی از نظام پاداش‌دهی در اجتماع‌های علمی و اسباب تعامل علمی دانشمندان و معرف‌هنجار اجتماع‌گرایی است.

از همه مهم‌تر میزان کمی و کیفی انتشارات علمی نشان‌دهنده رشد علم در هر زمینه و شاخه از علوم بشری است. به لحاظ این‌که علم یک اندامواره زنده است و «زندگی علم» شباهت‌های بسیاری با زندگی طبیعی دارد، نظریه «زیست‌بوم‌شناختی علم» می‌تواند استعاره‌ها و مفاهیم قوی برای توضیح رشد علم را در اختیار محققان قرار دهد.

مقاله حاضر با بهره‌گیری از این رویکرد و با استفاده از روش «علم‌سنجی» تلاش می‌کند تحولات تولید علم در قلمرو علوم اجتماعی را در دهه 88-1378 بازشناسی کند.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد، الگوی اصلی تولید علم در قلمرو علوم اجتماعی در کشور ما «تولید کتاب» بوده است. در این عرصه در دهه اخیر، 80 درصد تولید علم به علوم

انسانی و 14/9 درصد به علوم اجتماعی اختصاص داشته است. از نظر کمی، در میزان تولید علم، علوم اجتماعی در رتبه سوم پس از ادبیات و دین قرار دارد. این مسئله بیانگر «اصل تنوع» در زیست‌بوم علم است به این معنا که نحوه تولید و زیست‌بوم علوم اجتماعی براساس الگوی کتاب است نه مقاله ISI. هرچند در برخی رشته‌ها مانند شیمی این الگو متفاوت است. از سویی یافته‌ها نشان داد در دهه مورد مطالعه رشد کمی تولیدات علوم اجتماعی با رشد کمی سایر رشته‌ها هم‌زاد و همراه است. این مسئله نیز پدیده «هم تطوری» را در زیست‌بوم علم بازنمایی می‌کند. سایر یافته‌ها با توجه به مؤلفه‌هایی چون ترجمه‌ای یا تألیفی بودن، میزان تهرانی یا شهرستانی بودن علوم اجتماعی، زنانه یا مردانه بودن علوم اجتماعی، تولید چاپ اول و تجدید چاپ و سایر شاخص‌های کمی انتشار مانند تیراژ و صفحه و... وضعیت موجود و سیر تحول دهه اخیر را نشان می‌دهند.

**مفاهیم کلیدی:** علوم اجتماعی ایران، علم‌سنجی، زیست‌بوم علم، تولید علم، تولید و نشر کتاب، ابعاد اجتماعی تولید دانش.

### بیان مسئله

امروزه علوم اجتماعی در ایران در معرض اتهام کم‌کاری در تولید علم و عدم هماهنگی با نیازهای ملی قرار گرفته است. به گونه‌ای که در همایش سالانه انجمن جامعه‌شناسی ایران در اردیبهشت سال 1387 (همایش کنکاش‌های نظری و مفهومی درباره جامعه ایران) برخی از سخنرانان و صاحبان مقالات از این مسئله به «بحران در علوم اجتماعی ایران» یاد کردند. این نقدها که البته مبارک و میمون بوده و موجب خوداندیشی در بین کنش‌گران علوم اجتماعی می‌شود از زوایای مختلف طرح می‌شود: ناکارآمدی، ترجمه‌ای و اقتباسی بودن، مسئله محور نبودن، سهم اندک در تولید علم و... در این میان، نگارنده معتقد است دو نکته را باید مدنظر قرار داد: نخست این‌که در فقدان هرگونه شاخص دقیق و داده عینی، داوری و قضاوت در این خصوص را می‌بایست به تعویق انداخت تا مطالعه جامعی پیرامون اثرات و پیامدهای علوم اجتماعی در ایران صورت پذیرد

و دوم شایسته است که علوم اجتماعی با همگنان خود یعنی سایر «گروه رشته‌های» موجود

و فعال در ایران مقایسه شود تا امکان یک داوری منصفانه فراهم شود زیرا مقایسه علم در

یک کشور در حال توسعه با مرزهای جهانی آن تنها یک جنبه از عقب‌ماندگی را بازنمایی

می‌کند.

از نظر مشارکت در تولید علم جهانی، سهم علوم اجتماعی ایران اندک اما در حال رشد است. آمار مقالات علوم اجتماعی ایران در پایگاه wos برای سال‌های 2000 تا 2010، 2835 عنوان

مقاله از کل مجموع 73026 ایرانی بوده است. همچنین در این مقطع دهساله تعداد مقالات علوم اجتماعی، علوم انسانی و هنر در پایگاه Scopus، 5391 عنوان مقاله و در کل حوزه‌های موضوعی 96902 عنوان مقاله به ایران تعلق داشته است (Thomson, 2010).

در سال 2007 سهم مقالات ISI علوم اجتماعی ایران 391 مقاله بوده است که نسبت به سال قبل از آن دو رتبه جهش داشته است و در سال 2008 سه رتبه بهبود یافته است. بر این مبنا همان‌گونه که در سایر رشته‌ها جهش در تعداد مقالات بین‌المللی مشاهده می‌شود در این حوزه نیز نسبت به شرایط گذشته این پیشرفت کاملاً مشهود است. البته در ارتباط با رشته شیمی این جهش در ده سال گذشته وضعیت متفاوتی را تجربه کرده است و به‌دلیل موقعیت عملی که برای این رشته فراهم شده است سهم این رشته از مقالات ISI ایران 30% است<sup>82</sup>.

در ارتباط با مقالات علمی پژوهشی داخلی اوضاع به‌کلی متفاوت است به گونه‌ای که بنابه گزارش مسئول نمایه استنادی علوم ایران (ISCI) از مجموع 63500 مقاله نمایه شده پنجاه درصد آن در حوزه علوم انسانی است. این رکوردار بودن در انتشار مجلات علمی نیز صادق است. از مجموع 399 نشریه علمی مصوب تعداد 152 عنوان آن معادل 38 درصد به علوم انسانی تعلق دارد. در حالی‌که در کشورهای پیشرفته نشریات علوم پزشکی در این زمینه رکوردار هستند، در ایران سهم نشریات علوم انسانی از سایر گروه رشته‌ها بیشتر است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تولید علوم اجتماعی در ایران با فراز و فرودهایی مواجه بوده و با چند سال تأخیر نسبت به سایر گروه رشته‌ها مرحله رشد کمی مقالات بین‌المللی خود را آغاز نموده است. از این حیث نوعی هم تطوری و انطباق با سایر شاخه‌های علمی مشاهده می‌شود. از سوی دیگر گرایش علوم انسانی به سوی تولید مقالات و مجلات داخلی بوده و در این شاخص پیشتاز است. حال پرسش این است که در حوزه تولید کتاب نیز وضع به همین منوال است؟ در این حوزه علوم اجتماعی نسبت به همتایان خود چه وضعی دارد؟

فرضیه مقاله حاضر این است که نوعی هم تطوری<sup>83</sup> در رشد کمی علم در ایران قابل مشاهده

---

82. همان‌طور که می‌دانید کشور ایران کشور شیمی و مواد معدنی است. از این‌رو پس از آنالیز این مواد گزارش‌هایی تهیه می‌شود که به‌دلیل منحصر به‌فرد بودن این مواد، مجلات علمی از چاپ آن‌ها استقبال می‌کنند. از سویی نمایه ISI توسط شیمی‌دانان و برای معرفی مقالات این حوزه تأسیس شده است و مقالات این حوزه با سهولت بیشتری در این نمایه درج می‌شوند. علاوه بر این‌ها در کشور ما عده‌ای از استادان برجسته شیمی تصمیم گرفته‌اند که به‌جای کمک به تولید مواد پایه و یا ثبت اختراع، نتایج مقالات خود را در مجلات ISI منتشر نمایند و معمولاً به مقالات همدیگر ارجاع می‌دهند که همین‌موضوع موجب بالاترین سطح ارجاعات مقالات این گروه شده است.

83. OC.

است و افت و خیزها و گسست‌ها و عدم تعادل‌هایی که در علوم انسانی قابل مشاهده است با ملاحظه شاخص‌های دیگر در سایر رشته‌ها هم وجود دارد.

(رشته شیمی در این میان وضعیت استثنایی دارد و از يك موقعیت محلی<sup>84</sup> بهره جسته

است). از سویی الگوی رشد و توسعه علم در همه رشته‌ها یکسان نیست و از اصل تنوع<sup>85</sup> پیروی

می‌کند و نمی‌توان با يك شاخص واحد موقعیت علوم اجتماعی را در قیاس با دیگران ارزشیابی کرد.

کاوش در وضعیت تولید و انتشار کتاب در ایران در دهه گذشته، بسیاری از ابهامات را در این زمینه پاسخ می‌دهد. هدف مقاله حاضر این است که با تأکید بر مؤلفه انتشار کتاب و با بهره‌گیری از رویکرد علم‌سنجی امکانی فراهم شود تا با تمسک به شاخص‌های عینی موقعیت علوم اجتماعی در ایران را به دآوری بنشینیم. مهم‌ترین سؤالات این مطالعه عبارت‌اند از:

سیر تحول تولید علوم اجتماعی در دهه گذشته بر مبنای الگوی تولید کتاب چگونه است؟

تولید و انتشار علوم اجتماعی در ایران عمدتاً ترجمه‌ای است یا تألیفی؟

چه میزان تولیدات این حوزه جدید و چاپ اول است؟

الگوی انتشار کتاب در حوزه علوم اجتماعی بیشتر آکادمیک است یا ریشه در بیرون از دانشگاه دارد؟

علوم اجتماعی در ایران مردانه است یا زنانه؟

علوم اجتماعی در ایران تهرانی است یا شهرستانی؟

از نظر کمی تولید و انتشار علوم اجتماعی در ایران چه وضعیتی دارد؟

در کلیه پارامترهای یادشده وضعیت علوم اجتماعی در مقایسه با سایر حوزه‌های علمی چگونه است؟

#### آموزه‌های نظری

اهمیت و جایگاه انتشارات علمی در بالندگی علم و اجتماعات علمی به نحو روزافزونی

رو به گسترش است. امروزه فشار برای نوآوری و تبدیل علم به رشد اجتماعی هم از سوی

نهاد سیاست و هم نهاد اقتصاد بارزتر شده است. به اعتقاد برخی محققان حمایت مردمی و سیاسی از علم هم با این فشارها و

در ادبیات جامعه‌شناسی علم نیز شاید برای نخستین بار رابرت مرتون بر اهمیت (Carry, 1992) نظارت‌ها مرتبط است

هنجارهای علمی و

---

84 .

85 .

الزامات نهادی انگشت نهاد. وی با برشمردن خصیصه اجتماع‌گرایی<sup>86</sup> به‌عنوان یکی از هنجارهای چهارگانه دانشمندان، علم را ملك مشاع بشری دانست. به این معنا که بلوغ علم با خست و پنهان‌کاری در تضاد است و دانشمند باید سعی کند دانسته‌های خود را در اختیار جامعه و دیگر محققان قرار دهد. میشل مولکی معتقد است که ساختار هنجاری، ویژگی اصلی اجتماع علمی است و از زمره آن‌ها خصیصه اجتماع‌گرایی است. به‌نظر وی اگر اختفا و سرقت فکری و روشنفکرانه تا حدی در علم وجود داشته باشد و هنجار اجتماع‌گرایی راهنمای مؤثر علم یا کنش اجتماعی نباشد، آنگاه این احتمال می‌رود که گسترش یکنواخت و بی‌طرفانه دانش معتبر دچار وقفه شود (مولکی، 1374: 49) لازمه اجتماع‌گرایی انتشار است. امری که کارکرد آن به تعبیر مولکی گسترش یکنواخت و بی‌طرفانه دانش است.

از دیگر آموزه‌های جامعه‌شناسان علم در این زمینه، نظرات هگستروم<sup>87</sup> است که در زمینه انگیزش‌های دانشمندان کارکرده است. او این نکته مرتون را پذیرفت که انگیزه بارز دانشمندان علوم میل به تأیید شدن از جانب همتای‌شان است. او بیان داشت که برای رسیدن به این هدف، دانشمندان «پاداش‌ها» پی را به اجتماع علمی به شکل اطلاعات قابل انتشار عرضه می‌کنند. با این نوع «اعطای پاداش» مقام درجه اول حاصل می‌شود (گلوور، استرابریج و توکل، 1383: 80).

رنالد کالینز به گونه‌ای دیگر اهمیت انتشارات در اجتماع علمی را باز‌نمایی می‌کند. وی معتقد است که دنیای تفکر شامل زنجیره‌ای از شعائر تعامل<sup>88</sup> است که در دوره‌های زمانی متناوب و در چشم‌انداز و جریان اشیای مقدس‌سایده‌ها و متونی که محصول همین شعائر هستند- صورت می‌گیرند. استدلال و سخنرانی کردن و نوشتن و خواندن بخشی از شعائر تعامل است. در جهان مدرن، متفکران خلاقیت خود را روی کاغذ می‌آزمایند. اگرچه گاهی آن را شفاهی ارائه می‌دهند. منتشر کردن، متفکران را از تنهایی خارج می‌کند و به عرصه عمومی می‌کشاند. متفکران واقعاً زمانی وارد واقعیت علم شده‌اند که در نظام ارجاع‌دهی مجلات و کتب جایی برای خود بیابند. نوشتن افراد را قادر می‌سازد تا از حال بی‌واسطه فراتر روند. نوشتن دروازه‌ای به سوی انتزاع و تعمیم یافتن است و به افراد انرژی عاطفی<sup>89</sup> می‌دهد (شارع‌پور و فاضلی 1386: 40).

جایگاه نشر را همچنین با استفاده از مفاهیمی که بوردیو به کار می‌برد می‌توان توضیح داد. زیرا انتشار از سویی ذخیره انواع سرمایه (اجتماعی، فرهنگی، نمادین، اقتصادی) را غنی می‌کند

86 .

87 .O.W .

88 lautir noitcaretnl .

89 lanoitomE .

و از سوی دیگر ابزاری برای منازعه رقابتی در میدان علم و اثبات شایستگی علمی است. (نگاه کنید به Bourdieu, 1991: p. 31-36).

از نظر وایتلی<sup>90</sup> نیز دو مفهوم کلیدی ساختار اجتماع علمی را شکل می‌دهد. نخست مفهوم حوزه فکری است که به نظر وی یک واحد وسیع تولید و هماهنگ‌سازی دانش است. (شارع‌پور و فاضلی، 1386-27) در این بخش انتشارات به‌عنوان سبکی از تولید علم در ساختمان اصلی آن نقش‌آفرینی می‌کند. دوم این نکته است که بنیاد نظم در اجتماع علمی شهرت است. از همین رو وی علم را «نظام مبتنی بر شهرت»<sup>91</sup> می‌خواند. (همان مأخذ) نقش مهم انتشارات در تولید شهرت انکارناپذیر است.

در سطح عملی نیز انتشار کتاب و مقاله یکی از مهمترین مؤلفه‌های سنجش عملکرد پژوهش‌گران است. دو پژوهش‌گر در سال 1991 توانستند با تعریف شاخصی مرکب از: کمیت بازده مکتوب، کیفیت بازده مکتوب و خلاقیت عملکرد، مدلی را برای سنجش عملکرد پژوهش‌گران تدوین و ارائه کنند. گرسیرگ می‌گوید چون محصول یک آزمایشگاه پژوهشی ایده است و مهمترین راه مبادله و انتقال ایده نیز از طریق گفتار و نوشتار است، طبیعی است که انتظار داشته باشیم ضریب همبستگی بین ارزش یک محقق برای یک سازمان و فراوانی مبادله و انتقال ایده‌هایش بالا باشد. یکی از کامل‌ترین مطالعات انجام شده در مورد سنجه بازده مکتوب توسط شاو<sup>92</sup> صورت گرفته است. وی ارزش کارهای چاپ شده را بین تعداد نویسندگان تقسیم کرد تا

ارزش نویسنده را به‌دست آورد و به یک امتیاز کیفی برای هر مقاله یا کتاب برسد. شاو دریافت که امتیاز آثار مکتوب مساوی ارزش و اعتبار نویسنده برای هر مقاله با کیفیت  $x$  است. کل امتیاز کتاب‌ها و مقالات برای هر محقق به تعداد سال‌ها تقسیم می‌شد تا ارزش هر سال به‌دست آید. کارتر (Cartter, A.M.) یک کتاب نظری یا پژوهشی را معادل 6 مقاله، کتاب مرجع را معادل 3 مقاله و یک مجموعه تألیفی را معادل 2 مقاله به‌حساب می‌آورد (همان مأخذ). از نظر تعریف عملیاتی سازوکار انتشار به مفهوم در دسترس همگانی قرار دادن اطلاعات و ایده‌ها بوده و هم‌اکنون به دو صورت عرضه در محیط‌های مجازی و چاپ به صورت کتبی همراه با درج در نمایه‌های معتبر و در مورد کتاب برخورداری از کد بین‌المللی (ISBN) مطرح است.

به لحاظ این‌که علم یک اندامواره زنده است و «زندگی علم» شباهت‌های بسیاری با زندگی طبیعی دارد، نظریه «زیست‌بوم شناختی علم» نیز می‌تواند استعاره‌ها و مفاهیم قوی برای توضیح رشد علم را در اختیار محققان قرار دهد. نظریه اجتماعی سبز در دوره جدید خود تلاش کرده

<sup>90</sup> .

<sup>91</sup> lanoitatupeR .

<sup>92</sup> .B .wahS .

است تا از گرایش‌های جبرگرایانه (دترمینیسم موجود در محیط زیست‌گرایی) تا حدودی دوری کند و برای اراده انسانی و دخالت او در زیست‌بوم اعتبار قائل شود. بنابراین به تعبیر جان‌بری نظریه‌های اجتماعی جدید سبز معمولاً روایت مثبتی از فطرت انسان دارند و بر اهمیت پرورش و محیط زیست اجتماعی در توضیح رفتار آدمیان تأکید می‌کنند (جان‌بری 273:1382). عباس حزی (1383) توانسته است از رویکرد بوم‌شناختی در زمینه اطلاع‌رسانی و تبیین پدیده اکولوژی اطلاعاتی سود جوید. به‌نظر نگارنده زیست‌بوم علم، سیستمی از مردم، فعالیت‌ها، ارزش، دانش و فن‌آوری‌ها در محیط محلی خاص است. در رویکرد زیست‌بومی به زندگی علم و نحوه رشد آن از مفاهیم زیر می‌توان کمک گرفت:

**1. روابط درون سیستمی:** زیست‌بوم علم مجموعه‌ای از اجزا و روابط متقابل بسیار قوی و استوار میان آن‌ها و نیز وابستگی اجزا به یکدیگر است به گونه‌ای که هرگاه جزئی از این سیستم تغییر کند. کلیت سیستم را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. از این حیث رویکرد زیست‌بوم‌شناختی به رویکرد کارکردی سیستمی بسیار نزدیک می‌شود.

زیست‌بوم علم در قالب شبکه‌ای از زیست‌بوم‌هاست که در آغاز حالت محلی<sup>93</sup> داشته و با یکدیگر دادوستد دارند. شرط قرار گرفتن در شبکه کلان آن است که به درک زیست‌بوم محلی و بومی خود نائل آمده باشیم تا بتوانیم گروهی پویا از آن شبکه باشیم.

شبکه زیست‌بوم علم متشکل از اکوسیستم‌های وابسته به یکدیگر است که به‌مثابه گره<sup>94</sup> های ارتباطی عمل می‌کنند. این اجزا به یکدیگر وابستگی شدید دارند.

**2. (هم تطوری:** بوم فکری با بوم اجتماعی، بوم فرهنگی، بوم معیشتی، در هم تنیده است. منظور از هم تطوری، هم تحولی کلیه عناصر و شئون فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فنی است. بین پویایی و پایداری در زیست‌بوم علم تقابل مستمر است و ریشه تحول علم را در همین تقابل‌ها می‌توان جست‌وجو کرد. نوآوری‌های جدید در تطور روش‌ها، فن‌آوری‌ها، فعالیت‌ها و ابزارها نقش‌آفرینی می‌کند. چنین تحوّل همپا و هم‌سویی زمانی رخ می‌دهد که تمام اجزا به‌مثابه عناصر متشکله زیست‌بوم در آن سهیم باشند. البته هم‌چنان‌که تکامل و تطور دیده می‌شود، ثبات همگونی و یکپارچگی نیز در زیست‌بوم‌ها دیده می‌شود. اگر پیوستگی متقابل و تطور هم‌سو و همپا را از طریق جریان هم‌کنش درک نکنیم، رشد حاشیه‌ای در یک زمینه علمی خاص جز ایجاد «اکوسیستم گلخانه‌ای» نخواهد بود. اکوسیستم گلخانه‌ای اکوسیستمی است که جدای از محیط واقعی اکولوژیکی به حیات خود ادامه می‌دهد، اما هیچ‌گاه

---

93 .

94 .

با اکوسیستم اصلی پیوند نمی‌یابد و هرگاه مرزهای گلخانه‌ای را از میان برداریم و عناصر گلخانه‌ای را با محیط واقعی روبه‌رو کنیم مورد پذیرش اکولوژی قرار نخواهند گرفت و بی‌آن‌که تأثیری بر نظام اکولوژیکی بگذارند از میان خواهند رفت (حرّی، عباس، 11:1383).

**3. تنوع:** زیست‌بوم علم دارای خصیصه تنوع است و گونه‌های متفاوتی با الگوهای زیست متفاوت را در خود جای می‌دهد. تنوع اندیشه‌ها، روش‌ها، سازمان‌ها و بازیگران و حتی تنوع الگوی رشد و توسعه در هر شاخه علمی امری پذیرفتنی است. همان‌گونه که در زیست‌بوم طبیعی ده نوع پرنده، ده نوع الگوی تغذیه، پرواز و تولید مثل و آشیان‌سازی دارند.

**4. گونه‌های کلیدی<sup>95</sup>:** گونه کلیدی در بقا و غنای زیست‌بوم سهم عمده‌ای دارد. ممکن است

این نقش از طریق میانجی‌گری یا تسهیل‌کنندگی برای ایفای کارکرد سایر گونه‌ها باشد. با این وصف از آن‌جا که علوم اجتماعی و انسانی بین زیست‌بوم علم و محیط بیرون و انسان‌ها و فناوری‌ها، میانجی‌گری و تسهیل‌گری و ظرفیت‌سازی می‌کند می‌تواند گونه‌ای کلیدی فرض شود.

**5. تعلق به محل:** ابزار یا فن‌آوری واحدی ممکن است در اکوسیستم‌های گوناگون کاربردهای مختلفی را سبب شود و به همین

اعتبار آن را با همان نام یا کاربرد بشناسند. گاهی برای یک اکوسیستم یک فرصت محلی رخ می‌دهد تا تغییراتی در آن رخ دهد. هر نوآوری نیز در هر سیستم فرعی امکان‌سازگاری پیدا نمی‌کند. دیگر مفاهیم رویکرد زیست‌بوم‌شناختی عبارت‌اند از رقابت گونه‌ها با یکدیگر و میل به انطباق و تعادل و ویژگی محلی و شبکه‌ای داشتن.

شکل شماره 1. ارکان و اجزای رویکرد بوم‌شناختی به علم

<sup>95</sup> . enotS-yeK



در شکل (1) ارکان و اجزای هشت‌گانه رویکرد بوم‌شناختی به علم درج شده است. این شکل ساختار کلان مفهومی رویکرد زیست‌بومی را باز‌نمایی می‌کند. نقطه مرکزی و محوری این چارچوب مفهومی که در بیشتر اجزا مشاهده می‌شود، برخورداری زیست‌بوم از خصیصه تعامل بالا و ارتباط است. ویژگی اصلی که پایداری و پویایی سیستم را تضمین می‌کند.

### روش‌شناسی

این مطالعه رویکردی زیست‌بوم‌شناختی به علم دارد. روش مطالعه نیز روش علم‌سنجی است. علم‌سنجی یا نقشه علمی باز نمودن دو بعدی یا سه بعدی حوزه خاصی از علم بر اساس انتشارات علمی است. علاوه بر آن در رویکرد علم‌سنجی تجزیه و تحلیل نقشه دانش يك حوزه، علاوه بر تکنیک‌های ترسیم اطلاعات می‌تواند شامل موضوع‌های گوناگون مثل تجزیه و تحلیل شبکه، زبان‌شناسی، استخراج مفاهیم و موضوعات، تحلیل استنادی و شاخص‌های علم و فن‌آوری آن حوزه باشد. (محمدی، 1387، به نقل از بویاک، 2004).

جان برنال<sup>96</sup> یکی از مشهورترین فیزیک‌دانان جهان، تاریخ‌نگار و جامعه‌شناس علم در سال

1939 یکی از اولین نقشه‌های علم جهان را ترسیم کرد. پس از او دوپله در سال 1961 با تأکید بر نقش رایانه در ترسیم نقشه‌های علمی، چگونگی ساخت و ترسیم این نوع نقشه‌ها را برای ایجاد تصویر بزرگی از حوزه‌های جامع علمی پیشنهاد داد. نویز در تعریف نقشه‌های علمی اعتقاد دارد که نقشه کتاب‌سنجی (علمی) نمایی است از حوزه‌های علمی که با تجزیه و تحلیل کمی اطلاعات کتاب‌شناختی تهیه می‌شود (محمدی، 1387).

شاید بتوان نخستین آثار در این زمینه را به سولاپرایس<sup>97</sup> در دهه شصت میلادی متعلق

دانست که با ابداع اصطلاح علم<sup>98</sup> تلاش کرد با تحلیل آمار انتشارات علمی، قوانین توسعه

علمی را کشف کند. از آنجا که تحقیقات علمی پرهزینه است تصمیم‌گیران برای ارزیابی تحقیقات از علم‌سنجی استفاده می‌کنند. بدین ترتیب که نتایج حاصل از تحقیقات بر روی اقتصاد جامعه را با هزینه‌های لازم مورد سنجش قرار می‌دهند و به شناسایی بخش‌هایی می‌پردازند که فواید بیشتری داشته و یا این‌که استحقاق آن را دارند که بیشتر از آن‌ها پشتیبانی به عمل آید. دیگر آن‌که علم‌سنجی نقش پویاسازی تکنولوژی را بازی می‌نماید. یعنی این‌که مشخص می‌کند که کدامیک از بخش‌های علمی و تکنیکی از توسعه زیادی برخوردار بوده و یا این‌که چه بخش‌هایی اولویت دارند. هدف این است که برداشتی از کل داشته باشیم بدون این‌که بخواهیم فعالیت

---

<sup>96</sup> nhol .

<sup>97</sup> .

<sup>98</sup> fo ecneics .

علمی هزینهبهر و طولانی مدتی انجام دهیم (خسرو خاور، 1388).

در مطالعه حاضر داده‌های آماری دوره دهساله 1378-1388 متکی به اسناد آماری موجود در خانه کتاب ایران مورد استفاده قرار گرفت. در کنار آن از آمارهای تکمیلی مانند آمار مقالات ISI و ISC و تعداد عناوین نشریات نیز بهره گرفته شده است.

#### یافته‌ها

1. موقعیت کلی تولید کتاب در حوزه علوم اجتماعی

در سال 1388، تعداد 9041 عنوان کتاب در حوزه علوم اجتماعی تولید و منتشر شده است که معادل 14/9 درصد کل تولیدات می‌باشد. از نظر کمی میزان تولید علم در این حوزه در رتبه سوم یعنی پس از ادبیات و دین قرار دارد. ضمن آن‌که حوزه‌های ادبیات و دین از نظر تنوع موضوعی بسیار گسترده‌تر از علوم اجتماعی هستند و فراگیری مخاطب آن‌ها هم عمومی‌تر است.

**جدول شماره 1. تعداد کتب ترجمه و تألیف شده طی سال‌های 1378 تا 1388**

مقایسه تألیف در يك دهه در صدر شد  
موضوع جمع 1378 ترجمه 1378 جمع 1388 ترجمه 1388 تألیف 1388  
درصد تألیف در صد تألیف يك دهه  
از کل 78 از کل 88

کلیات	198 / 768	631 / 15147	476 1,990	424 242	666
فلسفه	283 / 5229	515 / 14581	1317 2,775	370 354	724
دین	108 / 8559	847 / 87021	1448 10,150	4092 774	4866
علوم اجتماعی	347 / 8613	825 / 78174	1224 9,041	1666 356	2022
زبان	109 / 9418	953 / 3909	221 3,830	1740 91	1831
علوم طبیعی	166 / 8761	832 / 56085	820 6,428	2013 398	2411
علوم عملی	243 / 7391	622 / 65455	2400 8,945	1626 975	2601
هنر	150 / 6987	685 / 16079	706 2,313	635 287	922
ادبیات	177 / 7857	808 / 94266	2543 11,969	3474 838	4312
تاریخ و جغرافیا	184 / 8603	864 / 26912	422 3,113	945 151	1096
جمع	182 / 8029	799 / 489772	11577 60,554	16985 4466	21451

مطابق داده‌های جدول (1) چنانچه 50% کتب رده موضوعی کلیات (دائرةالمعارف‌ها، علوم کتابداری و...) را زیرمجموعه علوم انسانی بدانیم و 50% تولیدات علوم عملی را نیز مربوط به

رشته‌های مختلف مدیریت و اقتصاد تخمین بزنیم، جمع تولیدات علوم انسانی و هنر به حدود 80% کل تولیدات کتاب می‌رسد که آماری بسیار بالاست. این یافته نشان می‌دهد در قلمرو علوم انسانی الگوی اصلی تولید علم، تولید کتاب است و از نظر این شاخص در مقایسه با سایر رشته‌های علمی وضعیت مطلوبی داریم. نرخ رشد کتب علوم اجتماعی در دهه اخیر 347 درصد و بالاترین نرخ رشد در بین همه شاخه‌های علمی بوده است. فلسفه و علوم عملی در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. این مسئله بیانگر اصل تنوع در زیست‌بوم علم است به این معنا که نحوه تولید و زیست علوم انسانی براساس الگوی کتاب است نه مقاله ISI. هرچند در برخی رشته‌ها مانند شیمی این الگو متفاوت است. به‌رحال اصل تنوع در این زمینه کاملاً مشهود است. از طرفی رشد کمی کتب علوم اجتماعی در این جدول با رشد کمی سایر رشته‌ها همزاد و همراه است. (رشد يك تا سه و نیم برابر) این مسئله نیز پدیده «هم‌تطوری» را در زیست‌بوم علم بازنمایی می‌کند.

جدول (1) همچنین نشان می‌دهد تعداد کتب تألیفی در سال 88 نسبت به سال 78، به میزان 4/1 درصد رشد داشته است. در نمودار (1) می‌توان وضعیت رشد تدریجی تألیف و ترجمه کتاب‌های علوم اجتماعی را در طول يك دهه مشاهده نمود. منحنی رشد کتب تألیفی علوم اجتماعی در مقایسه با ترجمه وضعیت بهتری دارد. از نظر تألیفی بودن الگوی تولید، علوم اجتماعی پس از زبان و علوم طبیعی در رتبه سوم قرار دارد. افت میزان تولید کتب علوم اجتماعی در سال 1384 احتمالاً ممکن است به‌دلیل تغییر دولت و در نتیجه تغییر سیاست‌های اداره کتاب وزارت ارشاد اسلامی باشد.

## 2. میزان تهرانی شهرستانی بودن علوم اجتماعی

علوم اجتماعی از نظر تهرانی بودن (مرکزگرایی) و عدم توزیع عادلانه تولید کتاب در

سطح کشور در سال 78 در رتبه چهارم قرار داشته، اما در سال 88 نسبت به سال 78 به

میزان نزدیک به یک درصد مرکزگرایی آن کمتر شده است. این میزان اندک بهبود

مرکزگرایی کم و بیش در همه رشته‌ها مشاهده می‌شود که بیانگر هم‌تطوری فرآیند تولید علم

در کشور است. هم‌اکنون تنها حدود 8 درصد کتب علوم اجتماعی در شهرستان‌ها منتشر می‌شوند. هرچند نویسندگان شهرستانی نیز غالباً آثار خود را در تهران منتشر می‌کنند اما ضعف بنگاه‌های تولید و نشر کتاب در شهرستان‌ها می‌تواند یکی از علل آن باشد که شایسته توجه

است.

**جدول شماره 2. کتب منتشر شده برحسب تهران و شهرستان مقایسه سال 78 و 88**

درصد تهرانی‌رصد تهران  
موضوع علم تهرانی‌رصد استان‌رصد  
به کل 78 به کل 88

کلیات 1,990 1,750 1,2408 1/929 5/873-

فلسفه 2,775 2,399 2,3763 2/885 1/868-

دین 10,150 5,236 4914 5/5416 2/54-

علوم اجتماعی 9,041 8,248 7939 8/912 0/917-

زبان 3,830 3,344 3,4868 3/883 1/875-

علوم طبیعی 6,428 5,912 5,5162 5/922 1/922-

علوم عملی 8,945 7,528 7,1417 7/852 0/848-


هنر 2,313 2,082 2,2316 2/93 3/906-

ادبیات 11,969 9,996 9,19737 9/875 4/832-

تاریخ و جغرافیا 3,113 2,575 2,5381 2/837 0/824-

جمع 60,554 49,070 60,11484 49/81 0 81

نمودار 2 و 3 سیر تحول کتب منتشر شده در شهرستان‌ها و تهران را طی سال‌های 78 تا 88 نشان می‌دهد.



نمودار شماره 2. کتب منتشر شده در شهرستان در سال‌های 78 تا 88

نمودار شماره 3. کتب منتشر شده در تهران در سال‌های 78 تا 88

### 3. تولید چاپ اول و تجدید چاپ

تولید کتاب چاپ اول نشانه فعال بودن نویسندگان و تجدید چاپ آن نشانه فعال بودن خوانندگان و بنگاه‌های نشر و جذاب بودن تولیدات است. بنابراین هر دو مؤلفه مثبت تلقی می‌شوند. همان‌گونه که در جدول شماره 3 مشاهده می‌شود میزان تولید کتاب چاپ اول علوم اجتماعی در دهه 78- به میزان 27 درصد رشد منفی داشته است. در عوض تجدید چاپ کتاب‌های قدیمی رونق گرفته است. افت این شاخص در علوم اجتماعی از سایر شاخه‌ها بیشتر بوده است. موشکافی این مسئله نیازمند مطالعه است. آیا این مشکل مربوط به کاهش حمایت دولت بوده است یا کم‌کاری نویسندگان یا مشکلات ناشرین یا مشکل توزیع و فروش یا...؟

جدول شماره 3. کتب منتشر شده برحسب چاپ اول و تجدید چاپ و مقایسه سال 78 و 88

درصد جابجایی رشد  
موضوع تجدید چاپ اول و تجدید چاپ  
اول از کل 78 اول از کل 88

کلیات 1,990 1,924 15,066 / 504 / 461-4

فلسفه 2,775 2,219 13,556 / 529 / 434-8

دین 10,150 10,847 56,303 / 518 / 478-3

علوم اجتماعی 9,041 3,597 54,444 / 548 / 396-14

زبان 3,830 3,555 2,275 2,476 / 404-6

علوم طبیعی 6,428 6,221 2,207 4,456 / 344-10

علوم عملی 8,945 8,192 5,753 33 / 583-4

هنر 2,313 2,082 17,082 / 512 / 535+1

ادبیات 11,969 11,276 6,693 56 / 624 / 522-10

تاریخ و جغرافیا 3,113 3,660 19,453 / 603 / 536-7

جمع 60,554 60,722 28,832 317 / 544 / 473-7

### 4. شاخص‌های کمی انتشار (تیراژ صفحه)

جدول شماره 4 وضعیت تیراژ متوسط کتاب را در دو مقطع 78 و 88 با هم مقایسه می‌کند. به جز حوزه دین که به دلیل حمایت‌های دولتی در این شاخص افت زیادی را تجربه نکرده

است در بقیه حوزه‌ها این افت چشمگیر قابل مشاهده است. در حوزه علوم اجتماعی 39 درصد افت تیراژ متوسط کتاب تأسفرانگیز است. هرچند از نظر عنوان کتب منتشره رشدی حدود چهار برابر تجربه شده است. این مشکل را باید در ضعف فرهنگ کتاب‌خوانی و ضعف

حمایت‌های دولت از این‌گونه فعالیت‌ها یا رقابتی نبودن این عرصه جست‌وجو کرد.  
جدول شماره 4. کتب منتشر شده برحسب تیراژ متوسط مقایسه سال 78 و 88

تیراژ متوسط تیراژ متوسط نرخ رشد  
موضوع عنوان 78 عنوان 88  
درصد

کلیات 239,345 3,827 1,990 666

فلسفه 233,524 3,794 2,775 724

دین 51,357 5,413 10,150 4,866

علوم اجتماعی 339,175 5,163 9,041 2,022

زبان 339,767 6,205 3,830 1,831

علوم طبیعی 338,407 5,474 6,428 2,411

علوم عملی 247,158 4,072 8,945 2,601

هنر 254,708 5,940 2,313 922

ادبیات 341,272 5,593 11,969 4,312

تاریخ و جغرافیا 320,564 4,468 3,113 1,096

میانگین 334,417 5,208 60,554 21,451

در نمودار زیر سیر نزولی متوسط تیراژ به‌عنوان یک شاخص مهم بین‌المللی در حوزه نشر مشاهده می‌شود.

نمودار شماره 4. سیر افت متوسط تیراژ در دهه 78-88

در جدول و نمودار شماره 5 وضعیت تولید و نشر کتاب براساس متوسط صفحه مشاهده می‌شود. افت این شاخص در دهه 88-78 برای رشته‌های علوم اجتماعی 20 درصد بوده است که بالاترین نرخ رشد منفی در این جدول است. حوزه هنر و علوم طبیعی رشد مثبت داشته‌اند. بنابراین رشد منفی سایر رشته‌ها جای بررسی بیشتر دارد. علاوه بر رکود کلی حاکم بر بازار کتاب و گرانی کاغذ، حوزه هنر احتمالاً از کمک‌های ویژه‌ای مانند حمایت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از انتشار برخی آثار هنری بهره‌مند شده است.

**جدول شماره 5. کتب منتشر شده برحسب متوسط صفحه و مقایسه سال 78 و 88**

متوسط صفحه متوسط عنوان  
موضوع عنوان 78 عنوان 88 نرخ رشد

کلیات	29916 355 1,990 666
فلسفه	21920 275 2,775 724
دین	27312 311 10,150 4,866
علوم اجتماعی	20820 261 9,041 2,022
زبان	23315 275 3,830 1,831
علوم طبیعی	0/2484 247 6,428 2,411
علوم عملی	27819 344 8,945 2,601
هنر	19/1836 153 2,313 922
ادبیات	18914 220 11,969 4,312
تاریخ و جغرافیا	28012 318 3,113 1,096
میانگین	23813 275 60,554 21,451

### 5. زنانه یا مردانه بودن تولید علم در ایران (الگوی کتاب)

بر مبنای داده‌های جدول شماره 6 در سال 1378 تنها 4/2 درصد پدیدآورندگان کتاب در ایران زن بوده‌اند. این سهم با رشد تدریجی و خوبی در سال 1388 به 20 درصد رسیده است. این رشد نشانه رشد آرام تعادل جنسیتی در تولید علم در ایران و مشارکت فعال زنان در این عرصه است. در ارتباط با علوم اجتماعی آمار تفکیکی در دست نیست اما این حوزه نیز از این الگوی رشد مستثنی نبوده است.



نمودار شماره 5. سیر افت و خیز متوسط صفحه در دهه 78-88  
جدول شماره 6. تولید و انتشار براساس جنسیت پدیدآورندگان

سال	جنسیت مرد	جنسیت زن	به کل
سال 4	19462	13108	77
سال 5	23771	14621	78
سال 5	27028	16186	79
سال 7	36448	20633	80
سال 9	43403	23234	81
سال 11	5046	24397	82
سال 13	5872	27649	83
سال 12	5362	26220	84
سال 9	43494	22724	85
سال 16	7206	30472	86
سال 18	8507	33443	87
سال 20	9468	36989	88

#### 6. تیپولوژی پدیدآورندگان کتب علوم اجتماعی

بنا به اذعان مسئولین خانه کتاب ایران و اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر مبنای شغل پدیدآورندگان آماری تولید نمی‌شود. تفکیک مؤلفان دانشگاهی براساس القابی مانند دکتر

که بر روی جلد کتابها درج می‌شود غیر دقیق است. زیرا بسیاری از مؤلفان دانشگاهی از این قالب استفاده نمی‌کنند. بنابراین سنخ‌شناسی پدیدآورندگان کتب علوم اجتماعی از نظر این مؤلفه با محدودیت مواجه است. اما با دقت نظر در کتب تولید شده می‌توان دو سنخ کلی و 9 سنخ فرعی را به ترتیب زیر برای علوم اجتماعی تولیدات ذکر نمود.

الف پدیدآورندگان غیرآکادمیک :

نویسندگان حرفه‌ای

– روشنفکران

مترجمان غیر دانشگاهی

حوزویان

نویسندگان کمک آموزشی

نو قلمان

ب پدیدآورندگان آکادمیک :

پژوهش‌گران

مدرسان

دانشجویان تحصیلات تکمیلی

نگارنده در سطح درون دانشگاهی با بررسی اجمالی شرح حال علمی استادان دو دانشکده دانشگاه تهران توانست داده‌های جدول 7 را فراهم کند. براساس داده‌های این جدول استادان دانشکده علوم اجتماعی از سال 60 تا 87 به صورت سرانه (سرانه 27 سال) 5/3 کتاب تولید کرده‌اند. در حالی‌که استادان دانشکده مهندسی شیمی همین دانشگاه در این مدت تنها 0/7 تولید و انتشار کتاب داشته‌اند. به این معنا که استادان علوم اجتماعی بر مبنای الگوی کتاب 7/5 برابر در تولید علم فعال‌تر بوده‌اند.

جدول شماره 7. مقایسه تولید و انتشار علم بین استادان دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده مهندسی شیمی

تعداد اعضاء کتاب‌ها دانشکده 60-65-66-7071-7576-8081-8586-87 جمع کلسرانه

هینت علمانگلیسی علوم اجتماعی 53 15 4 68 49 114 33 28318 3 / 5

مهندسی شیمی 42 28 27 0

## 7. تولید علم بر مبنای توزیع جغرافیایی (مورد کتاب)

آمارهای موجود در این زمینه برای شهرستان‌های مختلف به تفکیک موضوعی در دسترس نیست. اما در سطح آمارهای کلان، فاصله عمیقی بین استان‌های مختلف مشهود است. نگارنده در جدول شماره 8 سه استان برخوردار را با سه استان محروم در زمینه نشر مقایسه نموده است تا عمق این فاصله روشن شود. لازم به توضیح است که آمار نسبتاً خوب استان‌های قم و خراسان رضوی صرفاً به علت فعال بودن ناشرین مذهبی در شهرهای قم و مشهد است. بنابراین بین تهران و سایر استان‌ها توزیع ناعادلانه‌ای در تولید و نشر کتاب وجود دارد که شایسته توجه است.

## جدول شماره 8. مقایسه تولید علم در شش استان کشور (مورد کتاب 1377-1388)

سال / استان تهران خراسان رضوی قم ایلام خراسان جنوبی خراسان شمالی

سال 77 13901 439 1899 2 26 0

سال 78 17450 358 2332 0 0 0

سال 79 20563 365 2707 0 2 0

سال 80 25334 912 4000 16 10 1

سال 81 27303 81 3768 19 4 0

سال 82 28361 82 4566 13 5 0

سال 83 30325 83 6480 20 14 0

سال 84 39307 84 7103 4 7 9

سال 85 38346 85 8412 3 3 7

سال 86 44063 86 6490 11 11 11

سال 87 44158 87 5698 13 7 16

سال 88 49394 88 4853 5 7 2

## بحث و نتیجه‌گیری

زیست‌بوم، یک سیستم با وابستگی شدید اکوسیستم‌های فرعی و همجوار به یکدیگر است. فرآیند رشد و توسعه علم نیز یک پویای همه‌جانبه و فراگیر است. این مطالعه بر اساس الگوی تولید علم در حوزه کتاب، حالت زیست‌بومی علم را بازنمایی می‌کند و نشان می‌دهد ادعاهایی چون رشد حیرت‌انگیز چند رشته فنی و مهندسی در عین عقب‌ماندگی مفرط علوم انسانی و

اجتماعی محل تردید است. به‌ویژه در شرایطی که امر سیاست‌گذاری علم و فناوری و مدیریت علم و اقتصاد علم ماهیتاً به حوزه علوم انسانی و اجتماعی مربوط می‌شود، در عین حال که کانون سیاست‌گذاری از علمی پژمرده و مسئله‌دار تغذیه کند ارتقای گلخانه‌ای دو یا سه رشته علمی از پویایی و پایداری لازم برخوردار نیست. مگر این‌که در عقب‌ماندگی علوم انسانی و اجتماعی از همگنان خود تردید کنیم. مطالعات جامعی صورت دهیم و از شاخص‌های متنوعی کمک بگیریم و به ماهیت متفاوت هر شاخه علمی توجه کنیم. در کنار آن کارکردهای بلندمدت و پنهان<sup>99</sup> علوم اجتماعی را نیز از نظر دور نداریم.

#### نمودار شماره 6. مقایسه تولید علم در شش استان کشور) مورد کتاب)

این مطالعه نشان داد تولید علم در قلمرو علوم انسانی براساس الگوی تولید کتاب يك موقعیت ممتاز دارد و حدود 80 درصد کل تولیدات را به خود اختصاص می‌دهد. از نظر نرخ رشد نیز در طول دهه 78 - 88 رشد 5/3 برابر را تجربه کرده است. این سهم برای علوم اجتماعی 9/14 درصد است که سهمی مطلوب است). رتبه سوم در بین 10 شاخه علمی (از طرفی هم‌اکنون 5/86 درصد تولیدات علوم اجتماعی در حوزه کتاب تألیفی بوده و تنها 5/13 درصد ترجمه‌ای است).

سیر تحول تولید کتاب در دهه مورد مطالعه بیان‌گر نوعی هماهنگی و هم تطوری در رشد کمی علمی در ایران است. برای مثال هر گاه تولید کتاب رشد داشته در همه رشته‌ها این‌چنین بوده است و هرگاه در شاخص‌هایی چون تیراژ و صفحه افت داشته‌ایم در عمده شاخه‌ها چنین

بوده است. رشد بالای تعداد عناوین کتاب در دهه گذشته به دلیل پر کردن فاصله عمیق عقبماندگی در همه رشته‌ها معنادار می‌شود.

مسئله مهم دیگری که این مطالعه اکتشافی برملا کرد اصل تنوع در زیست‌بوم علم است. در زیست‌بوم علم، تنوع در اندیشه‌ها، روش‌ها، سازمان‌ها و بازیگران و الگوهای تولید علم را باید به رسمیت شناخت. الگوی تولید و انتشار علم در هرگونه (شاخه) متفاوت است. در رشته شیمی این الگو تولید مقاله ISI و در علوم اجتماعی تولید مقاله داخلی و کتاب است. جالب این‌جاست که آمارها در الگوی اختصاصی علوم اجتماعی بسیار امیدوارکننده و برخلاف برخی ادعاهای تبلیغاتی است (سهم 80 درصدی علوم انسانی از کتاب و 50 درصدی از مقالات ISC و 38 درصدی از کل مجلات علمی دارای مجوز از وزارت علوم). این آمارها نشان می‌دهد عقبماندگی علوم انسانی (ایضاً علوم اجتماعی) در ایران در مقایسه با همگنان خود یعنی رشته‌های علوم پایه و فنی و مهندسی و... با توجه به اصل تنوع الگو به شدت محل تردید است. این الگو در علوم اجتماعی بیشتر به سمت انتشار در داخل کشور و نگاه به مسائل بومی سوق یافته است و در رشته‌های فنی و مهندسی و علوم پایه در قالب مقالات بین‌المللی اختراعات بالقوه را به صورت خام منتشر و موجب تبدیل ایده‌های مندرج در مقالات به اختراع توسط کشورهای صنعتی شده است.

مطالعه حاضر نشان می‌دهد در ارزیابی تولید و انتشار علوم اجتماعی و هر شاخه علمی دیگر باید به موقعیت‌های محلی توجه کرد. برای رشته شیمی مقالات ISI و برای علوم اجتماعی انتشار کتاب يك موقعیت محلی تلقی می‌شود که در دسترس قرار گرفته است.

در پایان هنوز هم می‌توان امیدوار بود که علوم اجتماعی در قالب يك گونه کلیدی در زیست‌بوم علم ایران قد علم کند و آشیان<sup>100</sup> بلند و ویژه خود را تصاحب نماید.

## منابع

- ادواردز، شرلی و مایکل مک کری (1376)، «سنجش عملکرد پژوهش‌گران»، ترجمه طاهره ژیان احمدی، *فصلنامه رهیافت*، شماره پانزدهم، بهار 1376.
- بری، جان (1382)، *محیط زیست و نظریه اجتماعی*، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- حری، عباس (1383)، «اکولوژی اطلاعاتی و نظام اجتماعی»، *فصلنامه اطلاع‌شناسی*، تابستان 1383.
- خانه کتاب ایران (1389)، گزارش منوگراف آمار انتشار کتاب از سال 1377 تا 1388.
- خسرو خاور، فرهاد (1388)، *جامعه‌شناسی علم*، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، منوگراف.

شارع‌پور، محمود و محمد فاضلی (1386)، *جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

گلوور، دیوید؛ شیلاف استر ابریج و محمد توکل (1383)، *جامعه‌شناسی معرفت و علم*، ترجمه شاپور بهیان و همکاران، انتشارات سمت.

محمدی، احسان (1387)، «مفهوم نقشه‌های ساختار علوم»، *فصلنامه رهیافت*، شماره 43، پاییز و زمستان 1387.

مولکی، میشل، (1374) «هنجارهای اجتماعی و ایدئولوژی در علم»، ترجمه غلامعلی ابراهیمی، *فصلنامه رهیافت*، شماره یازدهم، زمستان 1374.

snoitidnoC laicoS eht dna dleiF cifitneicS eht fo yticificepS eht" )9991( erreip ,ueidruoB .egdeltuoR ,redaeR seidutS ecneicS ehT  
,"nosaeR fo ssergroP eht fo  
)2991( mailliW ,yrraCecneicS fo scitiloP wen ehT.sserp ogacihC fo ytisrevinU .  
)0102( citifneicS nosmohTecneicS fo bew/moc .nosmoht.cifitneics//:ptth :tA ]enil no[ . sow/stcudorp

غلامرضا ذاکر صالحی، استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است.

Grsalehi@yahoo.com